



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۲۵ - شهریور ۱۳۹۹

نوجوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(چه پیام هایی در دلش دارد

## هر یک ماه زنده ایم

شم روز عاشورا که برسد حواسم را جمع می‌کنم و مراقب رفتارم هستم. یک بابی‌ها شده. پرسیدم: «تو که فقط عاشورا خط قرمزت بود. چی شده که الان به هیات پرچم زده بود کُل یوم عاشورا». اینه که دیگه هر روز برام خط قرمز. به مجلس عزای حسین. این بار با نگاهی دیگر.

**۷** اصلا یادت نیست کجای هیات نشسته‌ای. چراغ‌های کمی روشن است و البته باز پرچم اصلی هیات، پشت سر مداح که حالا بالای منبر ایستاده خودنمایی می‌کند. مهمان ناخوانده چهره‌ات شده است؛ همین اشک را می‌گویم که صورتت را زیباتر از قبل کرده. معلوم نیست با دلت چه می‌کند. نه شعر و نه نوای مداح، گاهی فقط خود نام حسین است که تهِ دلت را می‌لرزاند و ما چه می‌دانیم از برکت این اشک؟! فقط همین یک حدیث از امام صادق (ع) بس که فرموده: گریه کننده جَدَم از جای خود برنمی‌خیزد، مگر اینکه مانند روزی که از مادر متولد شده از گناهان پاک است. و اهل دل یادمان داده‌اند که در مجلس ابا عبد... حتی اگر خودت را به گریه بزنی هم ثواب می‌بری / چه برسد به اینکه اشک روی چهره‌ات جاری شود. بمیرم برای خواهر و دختر و همسرانی که از تشنگی و بی‌آبی چشمشان حتی اشکی نداشت تا برای پسر فاطمه بریزند. به قول حاج علی‌انسانی:

دامن از تر دامن‌ها تر کنی / معجزات اشک را باور کنی  
اشک بر پرواز دل پرمی‌دهد / ریشه در آب است اگر بر می‌دهد

**۹** درست یادت نمی‌آید کی از هیات خارج شده‌ای. ترجیح می‌دهی کمی در خیابان قدم بزنی. یاد سال‌های گذشته می‌افتی. از دسته‌های سینه زنی با آن سرو و شکل قبلی خبری نیست. از آن علم‌ها و کتل‌ها که ریشه در آیین و سنت‌های مادرانند یا مراسم تعزیه با آن شور و صفا و حالش. شاید ندانی که تعزیه در ادبیات مذهبی ایران اساساً بر بنیاد فرهنگ عاشورا و وقایع تاریخی کربلا و نبرد دلیرانه و شهادت مظلومانه امام حسین (ع) نهاده شده و به صورت شبیه‌خوانی، شکلی ویژه از نمایش یا درام مذهبی، تجلی کرده است. تعزیه به صورت امروزی از زمان صفویه شروع شد و در زمان قاجار به اوج خود رسید و امروز هم تعزیه‌هایی با شکوه در سراسر کشور حتی خارج از دهه اول محرم برپا می‌شود. یاد شعری از استاد شکارسری می‌افتم:

ناگهان تیر خود را شکست و به زانو درآمد  
پیش لیخند اصغر  
حرم‌له گریه سر داد  
ناگهان شمر فریاد زد  
نه! نمی‌بژم این شط خون فصیح خدا را  
ناگهان ملک ری سوخت  
از سکه افتاد  
ابن سعد انتخابی دگر کرد  
...  
ناگهان صحنه را جامه‌ی سرخ پر کرد  
جامه‌ی پاره پاره دریده  
تعزیه نیمه کاره رها شد...

**۸** «لطفاً اونهایی که ته هیات نشستند هم به احترام ابا عبد... بلند شدن تا کوچه‌های سینه زنی رو آماده کنیم.» این جمله مداح تو را به خودت می‌آورد. چند دقیقه ایست همین گوشه سینه روی فرش نشسته‌ای و در خودت فرو رفته‌ای و نه منبر و مداح و نه حتی پرچم‌های عزارانی بی‌نی. اشک‌های روی صورتت را با شال عزایت پاک می‌کنی. بلند می‌شوی و در جمع سینه زنان قرار می‌گیری. عزاداری به صورت زدن بر سینه و سر، از صدر اسلام مرسوم بوده. نقل شده است که برخی زنان مسلمان در عزای پیامبر اسلام (ص) به سر و سینه خود می‌زدند و عزاداری می‌کردند. پس از شهادت امام حسین (ع) عزاداری بسته به فرهنگ‌های مختلف، اشکال گوناگون داشته ولی از جمله پرکاربردترین آنها سینه زنی بوده است. به نظر می‌رسد سینه زنی، علاوه بر عزاداری، نوعی ریاضت است که سینه زن، خود را در رنجی که امام حسین (ع) تحمل کرد، سهیم می‌کند. البته بعد ها زنجیر زنی و برخی کارهای دیگر هم مرسوم شد.

برپایی عزای تو هر روز کار ماست / افغان و آه و ناله و غم روزگار ماست  
شکر خدا که گریه کن روضه‌ی توایم / بر سر زدن، به سینه زدن، افتخار ماست

**۱** فقط برای تودعایم می‌کنم. می‌دانم سخت‌تر از شنیدن، دیدن است و می‌دانم که تودیده‌ای آنچه را که مادر روضه‌ها فقط می‌شنویم. پرچمت توی سینه‌های عاشقان حسین بلند است آقا. ما چشم انتظار تو نشسته ایم بلکه ایستاده ایم و تلاشمان این است که راه را هموار کنیم تا لحظه آمدنت. آن وقت است که بیایی و با هم لباس عزای جدت را بپوشیم. روی فرش سینه‌ها قدم بگذاریم. چایی روضه‌اش را بنوشیم. برایمان وعظ و خطابه کنی بالای منبری از جنس نور. نقش یا ثارات الحسین را بر پرچمت به نظاره بنشینیم و مداح روضه عمو جان‌ت عباس را برایت بخواند. شور و شعور حسینی در هم بیامیزد و تعزیه‌ای برپا شود به وسعت همه عالم.

صبح و شب راهی بازار شدن می‌ارزد / یوسف فاطمه را یار شدن، می‌ارزد  
تا که یک لحظه‌ی کوتاه ببینیم تو را / متوسل به علمدار شدن، می‌ارزد  
هر که دارد هوس کرب و بلا بسم... / راهی کعبه‌ی دلدار شدن، می‌ارزد

ی‌جابه جامی شوی. واعظ حرف هایش را می‌همی گیری. نوحه خوان خودش را آماده هم نوایی را زیر لب زمزمه می‌کند. این نوحه بردن با آوازی بلند است و اصلاً مگر می‌شود اولین مجلس گردان عزای حسین ام البنین علیه‌السلام بود. اما از زمان حکومت صفوی که اسم عزاداری ماه محرم به طور رسمی برپا و تلا حسین کاشفی سبزواری به عنوان ذکر اینگونه نام مراسم عزای حسینی «روضه» زنده به عشق حسین و آل الله.